

تذکرات مهم :

- ۱- متنهای قرمز رنگ حاشیه ی سمت راست این فایل، که شامل تیرها و مطالب کمکی و... است، خارج از بیانات استاد معظم میباشند ، و با سلیقه ی نگارنده ، درج گردیده است و لذا اشکالات احتمالی متنی و محتوایی و عدم تناسب آنها متوجه نگارنده است.
- ۲- به دلیل اینکه متن حاضر پیاده شده ی سخنرانی است، جهت رسا شدن متنها ، کلمه یا جملات افزوده شده به متن بیانات حضرت استاد روح، را درون قلاب [] قرار دادیم ، تا مخاطبان محترم، متن اصلی را از غیر اصلی تشخیص بدهند ، همچنین در اضافه کردن این متنها سعی شده است ، در حد وسع، به محتوا و مقصود بیان شده توسط استاد عزیزمان ، پایبند باشیم.
- ۳- در این نوشتار ، عین متن نامه و عین متن قانون اساسی بدون کم و کاست و بدون تغییر نقل گردیده است.
- ۴- پیشاپیش از وجود اشتباهات محتوایی و املائی و یا تاپیی ، از محضر عزیزان ، پوزش میطلبم.



أعوذ بالله السميع العليم من هوانا و من الشيطان اللعين الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بیانات ۹۷/۰۹/۲۹

﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَاهُ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَالذِّكْرِ لِطَائِفَةٍ مِّنْهُمْ﴾^{۸۲/سوره}

سلامتی وجود پاک و مقدس مولایمان حضرت بقیةالله الاعظم علیه السلام صلوات مرحمت بفرماید:

اللهم صل على محمد و آل محمد و صل على فرجه

ذیل این سخن نورانی حضرت سید العابدین علیه السلام در دعای شریف مکارم الاخلاق ، که امام علیه السلام از خدای قادر متعال، تقاضای قدرت، کرده بودند، نکاتی مطرح بود، یکی از [آن] نکات این بود که :

آیا خوبان عالم، مجازند که به دنبال [کسب] قدرت [باشند]؟

آیا قدرت و قدرت طلبی با عدالت منافات ندارد؟

آیا [قدرت و قدرت طلبی] به [خوبان و صالحان] ضرر [نمی رساند]؟

عرض کردیم: نخیر، دنبال قدرت بودن ، برای خوبان عالم ، به عنوان یک مقدمه که بتوانند تکالیف الهی را انجام بدهند، خودش تکلیف الهی است، یعنی قدرت در برابر عدالت مطرح نیست ، [بلکه] قدرت ابزاری است برای تحقق بخشیدن به عدالت.

اینجا نکات متعددی عرض کردیم که مطرح است [و] بعضی از آنها را بحث کردیم یکی از بحثهایی که چند هفته داشتیم از آن گفتگو می کردیم، این مسئله بود که یک سلسله از امور نمی گذارند که اصلا عدالت تحقق پیدا کند، یا نه، بعد از اینکه عدالت تحقق پیدا کرد [و] بالاخره حکومت اسلامی درست شد چه در زمان حضرت

امیر علیه السلام چه در زمانهای بعد، عواملی می آیند [و] آن قدرت [و] حکومت اسلامی [را تضعیف و بعد مضمحل می کند [و] از بین میبرد، اینها را باید بتوانیم بدرستی بشناسیم، مصداقا در زمان خود ما، انقلاب اسلامی که خواست پیروز بشود ،خُب، دیدگاههایی وجود داشت که آن دیدگاهها مخالفت می کرد، اینکه شما می بینید در

بیانات حضرت امام رهبرناظر که در موارد متعدد، تصریح دارند که [گروههایی را اشاره میکنند که در برابر نظام اسلامی صف آرائی کرده و میکنند، مثل] جریان تحجر گرا ، [یعنی آن] کسانی که معتقد بودند که نباید حرکتی [در جهت انقلاب] صورت بگیرد [و] اصلاً نمی خواستند که انقلاب تحقق پیدا کند؛ [آن مواضع امام بخاطر

دعای بیستم صحیفه ی سجاده ،
بند هشتم. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي يَدَا عَلَى مَنْ
ظَلَمْتَنِي... وَ قُدْرَةً عَلَى
مَنْ اضْطَهَدَنِي

کسب قدرت مقدمه ی
اجرای تکالیف الهی...

موانعی که بر سر راه عدالت
ایجاد میشوند دودسته اند:

۱- عواملی که ابتداءً
نمیگذارند عدالت
شکل بگیرد...

۲- عواملی که سبب
میشوند عدالت
موجود ساقط
شود...

همین است. ما آن دوران را، هر چه بود، بفضل الهی گذراندیم، [و] به هر ترتیب خدا رحم کرد بر امت اسلام که حکومت اسلامی تشکیل شد، امروز باید حواسمان باشد [که] بعد از تشکیل [حکومت اسلامی، همچنان] عدالت خواهی، می تواند با موانعی مواجه شود [که] برخی از این موانع را نام بردیم [و] امشب هم فهرستوار برخی را نام می برم [و] یادآوری می کنم.

حضرت آقا مدظله العالی در کتاب «عدالت، هویت و شاخص انقلاب اسلامی» در صفحه ۳۵ این بحث [موانع عدالت] را اینگونه مطرح کردند که [یک]: اگر سرمایه سالارها، در بدنه ی مراکز اقتصادی و مراکز فرهنگی کشور نفوذ پیدا کنند، این برای ادامه کار [نظام اسلامی] خطرناک است؛ دو: در صفحه ۳۰۶ این کتاب فرمودند: که خدای ناکرده، اگر جامعه از درون پوسیده شود و ذهنیت مردم به سمت دنیاگرایی برود، این با حرکت اسلامی و حرکت عدالت خواهانه می تواند مشکل پیدا کند؛ سه: در صفحه ی ۳۰۷ این کتاب، آقا فرمودند: مواظب پیدا شدن طبقه ی جدیدی از مرفهین باشید؛ چهار: اشرافیگری و تجملگرایی مسئولین بود؛ پنج: فهم غلط از دین بود، که این را کمی گفتگو کردیم، و سعی کردیم بر روی آن حساسیت به خرج دهیم؛ شش: عدم توجه به عدالت در مسیر سازندگی بود؛ هفت: پشیمان شدن بعضیها از مبحث عدالت [در گذشته] از عدالت صحبت می کردند ولی دیدند [که نه! اجرای عدالت] شوخی نیست، دیدند اگر [بخوانند تن به عدالت بدهند، برای خودشان گران تمام می شود، لذا بخاطر سختی های عدالت از آن فاصله گرفتند و پشیمان شدند؛ هشت: در صفحه ۳۱۴ این کتاب، تعبیر [حضرت آقا رهبری عزیز انقلاب] این است که: [برخی به غلط گمان کرده اند، عدالت خواهی] یک حرکت آنارشستی در [برابر] نظام است؛ چند جلسه بر روی این مطلب ماندیم [و توضیحاتی دادیم]، ببینید [که] چه می خواهیم بگوییم، سوال این است:

آیا به بهانه ی ترویج گفتمان عدالت، ما می توانیم پایه های نظام اسلامی را سست کنیم؟

[آیا] می توانیم مردم را نسبت به رهبری نظام اسلامی، معترض و منتقد و مستشکل کنیم؟

آیا به بهانه ی عدالت طلبی ما مجاز به انجام [رفتار آنارشستی علیه نظام اسلامی] هستیم یا مجاز نیستیم؟

[پس] بطور واضح سوال [این است]:

آیا به بهانه عدالت خواهی و عدالت طلبی می توانیم و مجازیم نظام اسلامی را تضعیف کنیم؟

[آیا مجازیم] رهبری اسلامی را تضعیف بکنیم؟

[آیا مجازیم] ذهن ها را علیه رهبری تجهیز بکنیم؟

آیا مجاز به این کارها هستیم یا نیستیم؟

به گمان ما سوال مساویست با جوابش! ما هیچ کسی را مجاز به این کار نمی دانیم، هیچ کس را...

ادله ی متعددی هم وجود دارد، یکی از بحثهای مهمی که اینجا وجود دارد، بازخوانی اندیشه ی امام و رهبری است.

بعضی از دوستان تصور می کنند که ما [میخواهیم پشت سر کسی پنهان بشویم]، اولاً: واقعیتش این است که

این همه بحثها، بازخوانی اندیشه است نه پشت سر کسی [پنهان] شدن؛ ثانیاً: اگر من پشت [سر] امام [پنهان]

یک نمونه از فهمیدن غلط دین عبارت است از مجاز دانستن رفتار آنارشستی در برابر نظام اسلامی...

ما هیچ کسی را مجاز به این کار نمی دانیم، هیچ کس را...

اشکال:

چرا باز خوانی اندیشه

ی امام و رهبری؟

جواب:

چون "فمعکم معکم

لا مع غیرکم"

بشوم، کار بدی کرده ام یا کار خوبی انجام داده ام؟ گفت: " فمعکم معکم لا مع غیرکم " ، [با این بیان] این چه اشکالی است کسی بگوید: چرا پشت سر امام [پنهان] شده ای؟!!!!

بله، اگر حرف امام را تحریف کنیم ، حق با شماست؛ اگر حرف امام را نزیم، حق با شماست؛ ولی ما داریم عین بیانات امام رضی اللہ تعالیٰ عنہ و رهبری علیه السلام را می خوانیم که شاخص های نظام هستند، یعنی ما معتقدیم، اگر کسی امام را گم کند، یقیناً انقلاب را گم کرده است، یقین، بدون برو برگرد.

اگر کسی [نسبت به] رهبری دچار مشکل بشود، یقین بدانید [با] اهداف نظام، دچار مشکل شده است، چه خودش باور کند، چه خودش باور نکند!!!!

اینها شاخص های نظام هستند [و] ما ، در شاخص ها با هیچ کس، با عزیزترین عزیزانمان هم [تعارف نداریم]. خدایا تو شاهد باش، با نزدیک ترین نزدیکانمان [هم] در اینگونه بحثها رودر بایستی نداریم و نباید هم رودر بایستی داشته باشیم...

در تاریخ امام صادق می خوانید که دو برادر [بودند] یکی از خوارج دیگری از اصحاب امام صادق سلام الله علیه ، اینها در طول سال با یکدیگر قطع رابطه هستند [ولی] در طول سال [فقط] سه روز یکدیگر را می بینند به جهت اینکه می خواهند صلح داشته باشد، در آن سه روز هم یککش همدیگر را نمی دیدند، [چون] همان اول کار شروع میکردند به گفت و گوهای عجیب و غریب! تا [وقتی این] سه روز تمام شود...

این قانون شریعت ماست، در [این] شریعت ما از یک طرف مأمور هستیم به مدارات الناس [واظرف دیگر] مأمور هستیم به نگه داشتن ارزشها، این دو را باید باهم نگاه دارید؛ به بهانه نگهداشتن ارزشها نباید مدارات الناس [ترک کنیم، همچنانی که] به بهانه مدارات الناس [نباید] از ارزشها کوتاه بیاییم. برادران ، ما [برای حرکت در] نظام ولایی [اصول و معیارهائی] داریم که برخی از آنها را میخوانیم. صلوات مرحمت فرماید :

واللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

[ان شاء الله] صفحه ۱۷۱ کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» را می خوانم که [آنجا رهبری عزیز انقلاب میفرمایند:] همه ی ما موظف به دفاع از اصل اصیل ولایت فقیه هستیم، همه بلا استثناء؛ تکلیف ماست که از این اصل دفاع داشته باشیم، البته برای ما گران تمام خواهد شد و ما هم می دانیم که برای ما گران تمام خواهد شد و در این شکی نیست، اما وظیفه چیست؟ وظیفه ی ما دفاع از اصل ولایت است و در این هیچ برو برگردی نداریم.

امشب عبارات امام رضی اللہ تعالیٰ عنہ را [نیز] خواهیم خواند، امام رضی اللہ تعالیٰ عنہ، نسبت به [آنهایی که] بحث ولایت فقیه را بالا و پایین می کنند [و با آن مخالفت میکنند] بقدری کلمات تند دارد که دیگران اینگونه کلامی ندارند! [زیرا] امام رضی اللہ تعالیٰ عنہ بحث را به سمت ارتداد می برند!

به عرض من میرسید که چه میگویم؟! شاید برای اولین بار است که این را می شنوید! امام می گوید: شما «من حیث لا یَشْعُر» این حرف را می زنید [و با ولایت فقیه مخالفت میکنید] و الا اگر درک نکنید که [چه می گوید] حساب دیگه ای دارید [و مرتد میشوید] ، بقدری این بحث تند است [که حد ندارد].

اگر کسی امام را گم کند، یقیناً انقلاب را گم کرده است...

حتی با عزیزترین عزیزانم ، در بحث امام و رهبری تعارف ندارم...

مدارا کردن با مردم، به معنی عقب نشینی از ارزشها نیست...

راه و روش حرکت در نظام ولایی...

همه ی ما موظف به دفاع از اصل اصیل ولایت فقیه هستیم، همه بلا استثناء...

امام رضی اللہ تعالیٰ عنہ مخالفت با ولی فقیه را به سمت ارتداد می برند و دلیل این حرف هم روایت شریف است...

[دلیل این حرف هم این است که] در روایت شریف [مقبوله ی بن حنظله فرمود:] «الراد علیه ، الراد علينا» تعارف که ندارد! امام صادق علیه السلام فرمود: آن کسی را که من نصبش میکنم اگر او را رد نمائی [و با او مخالفت کنی]، من امام صادق را رد کرده ای! «الراد علیه الراد علينا و هو علی حد الشکر بالله تعالی» این متن دین ماست. در صفحه ی ۱۷۱ کتاب بسیار خواندنی «ره ، رهرو ، رهبر» که بیانات رهبری عزیز انقلاب است [را میخوانم]:

کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۱۷۱ : اصل ولایت فقیه؛ یادگار ارزنده امام راحل

اصل ولایت فقیه و پیوستن همه ی راههای اصلی نظام به مرکز ولایت، نقطه ی درخشان نظام اسلامی، و تحقق آن، یادگار ارزنده و فراموش نشدنی حضرت امام خمینی (ره) است. مردم ما در طول یازده سال اخیر، وفاداری و اخلاص کامل خود را نسبت به این اصل، در همه میدانها نشان داده اند...

پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم ایران درباره ی حفظ وحدت و یکپارچگی، حمایت از دولت، جایگاه مجلس شورای اسلامی و دفاع از اصل ولایت فقیه ۱۳۶۸/۱۰/۱۸

حضرت استاد روح : [چون این صحبت رهبری عزیز انقلاب مربوط به سال ۶۸ و اوائل رهبری ایشان

است، و با توجه به اینکه در چهلمین سال انقلاب اسلامی هستیم] باید بگوییم مردم در طول ۴۰ سال اخیر [وفاداری و اخلاص کامل خود را نسبت به این اصل، در همه میدانها نشان داده اند و] ۹۰ دی بهترین یادگارش است.

حالا سوال اینست که از اصل ولایت فقیه چه کسی باید دفاع بکند، امام یا مأموم یا هردو؟ جواب : هردو باید [از این اصل] دفاع محکم داشته باشند، [ببینید]:

همه ی ما موظف به

دفاع از اصل اصیل

ولایت فقیه هستیم،

همه بلااستثناء...

ادامه ی مطلب از کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۱۷۱ :

امام عظیم الشان ما، خود بزرگترین مدافع و سرسخت ترین پشتیبان این اصل و پذیرای جدی همه ی آثار و لوازم آن بود. این اصل، همان ذخیره ی پایان ناپذیری است که باید مشکلات نظام جمهوری اسلامی را در حساسترین لحظات و خطرناکترین گردنه های مسیر پرخطر جمهوری اسلامی حل کند و گره های ناگشودنی را بگشاید .

حضرت استاد روح : چرا؟ [زیرا ولایت فقیه] شاکله ی نظام اسلامی است ، جایی که دیگران دستشان کوتاه

است [فقط یک نفر] هست که میتواند سینه سپر کند و آن کدام اصل است؟ [اصل ولایت فقیه]، لذا آن کسی که [اصل ولایت فقیه] را تضعیف می کند، نمیداند که چه بلائی را دارد بر سر خودش و اسلام می آورد...

حالا [خود] امام رهبر، ولی فقیه چرا از این اصل دفاع میکرد؟ [برخی] شیطنت [میکنند و میگویند]: چون خود

امام رهبر، ولی فقیه بوده است ، لذا به اعتبار ولایت خودش از ولایت فقیه دفاع میکرد [ه است!].
ابداً اینگونه نیست، ابداً...

آیا امروز که رهبری عزیز انقلاب از این اصل دفاع میکند، [بخاطر] اینست که خودش ولی فقیه هستند؟! بنده که دارم از ولایت فقیه حرف میزنم به اعتبار این است که چون در لباس طلبگی هستم این حرفها را میزنم؟!

شمائی که آنجاهستید به اعتبار اینکه طلبه هستید از ولایت فقیه حرف میزنی؟! **نخیر این حرفها نیست...** اذان صبح را هر کسی شنیده است طلبه، حجت الاسلام، حجت پارسال! هیچ فرقی نمیکند، اذان که گفتند همه باید [برخیزند] و نماز بخوانند، این تکلیف الهی است بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بر علی مرتضی علیه السلام هم واجب است، بر همه واجب است، تکلیف اینگونه است که [متوجه همه ی مکلفین است و شان و شغل و ... تاثیر در آن ندارد، و همه ی افراد، مکلف به انجام آن هستند، و دفاع از مساله ی ولایت از اینگونه تکالیفی است که همه، مکلف به آن هستیم.]

دفاع غیورانه...

ادامه ی مطلب از کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۱۷۱: دفاع غیورانه ی امام عزیز از مسئله ی ولایت و رهبری - که بی گمان تصدی رهبری به وسیله ی خود آن بزرگوار، کمترین تأثیری در آن نداشت - ناشی از درک و ایمان عمیق به همین حقیقت بود

حضرت استاد روح: درست به همین جهت بود که [امام رضی الله تعالی عنه] با تمام صراحت آن برخورد تند را با آقای منتظری کردند.

آقایان از ما بشنوید، سواد آقای منتظری از سواد خیلی [از آقایان دیگر] بیشتر بوده است، فقاہتش [از آقایان دیگر] خیلی قوی تر بوده است، فلسفه گفتنش از خیلی ها قوی تر بوده [است]، رجال خواندنش از خیلی ها قوی تر بوده است، فقه اهل سنتش از بسیاری از آقایان، قوی تر بوده است، ولی امام در اینگونه بحثها حتی با آقای منتظری رودر بایستی ندارد.

مساله، دفاع از این جایگاه است...

خب، خود رهبری عزیز انقلاب چرا [امروز از ولایت فقیه دفاع] میکند؟ شیطان میگوید: چون خودش امروز ولی [فقیه] است، [لذا] دارد از خودش حمایت میکند، [نخیر اینگونه نیست]، داریم از اصل حمایت میکنیم...

ادامه ی مطلب از کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۱۷۱:

و امروز اینجانب به پیروی از آن بزرگوار، با همه ی وجود و توان از این اصل و لوازم آن دفاع خواهم کرد و به کمک الهی، به تکلیف خود در همه ی موارد عمل خواهم کرد. **خداشه در التزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری، خداشه در کلیه نظام اسلامی است.**

مخالفت با رهبری، مخالفت با اصل نظام اسلامی است...

حضرت استاد روح: آقا چه [فرمودند؟! تشکیل کردن در ولایت، تشکیل کردن در چیست؟] [جواب] تشکیل کردن در اصل نظام است، تمام، بدون برو و برگرد، حالا خواهیم خواند که آقا توضیح میدهند [منظور از التزام به ولایت فقیه، چیست؟]

اصلا یکی [از دلائل ناراحتی] ما از دست برخی از [دوستان] دیروزمان همین است، ما [می گوئیم]، شما دیروز با پلاک ولایت بیرون آمدی!!! آخر ما اینگونه [رفتارها را] از شما انتظار نداریم!!! ولی بعضی از دوستان ما به این نکته نمیرسند!

ادامه ی مطلب از کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۱۷۱:

و اینجانب این را از هیچ کس و هیچ دسته و گروهی تحمل نخواهم کرد.

حضرت استاد روح: یعنی عذر چه کسی را قبول [کنیم؟] یعنی هیچ کسی را در این جهت معذور [نمی دانند].

وللم صل علم محمد و آل محمد و عمل فربه

حضرت استاد روح : آقایان بدانید! اگر [تمام آحاد کشور] به رئیس جمهور [رأی بدهند و] شخصی را به عنوان

رئیس جمهور نه با اکثریت نسبی بلکه با اکثریت قاطع بلکه با رای کل، یعنی کل ملت اسلام [و او را انتخاب کنند] که البته در تاریخ اتفاق نیفتاده است، لو فرض که اتفاق بیافتد، همه رای بدهند که یک کسی مثل

شهید رجایی که بهتر و پاکتر از او را سراغ [نداریم]، بشود رئیس جمهور، تازمانیکه ولی فقیه او حکمش را تنفیذ نکند او طاغوت است] ، عین عبارت امام را [خواهم خواند]، امام تصریح می کند تا مادامی که ولی

فقیه شهید رجایی را نصب نکند، شهید رجایی می شود طاغوت!!! [میگویند: نظر] ما در مبحث ولایت فقیه، نظر شاذ است! چرا اینگونه حرف میزنید؟! درس بخوانید [بعد خواهید فهمید که قول ما شاذ نیست].

کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۲۳۹ : علت اهتمام امام به مسئله ی ولایت فقیه

اینکه علمای اسلام و ملت انقلابی ما و دلسوزان جامعه، اینقدر روی مسئله ولایت ی فقیه عادل تکیه

میکندند و امام بزرگوار ما رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ آن را آنقدر مهم می شمردند، بخاطر همین بود که اگر این مسئله ی معنوی را از جامعه ی اسلامی سلب بکنیم - همچنان که آن کسانی که دلسپرده به روشهای غربی بودند و ارزشهای غربی برای آنها اصل بود، در باب حکومت در جامعه ی اسلامی، میخواستند در سالهای اول، به همان شیوه های غربی عمل بکنند- و اگر ما این اشتباه را میکردیم و بکنیم که در مسئله ی حکومت و مدیریت جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرمهای رایج دنیایی برویم، معنای جامعه ی اسلامی ما از بین خواهد رفت. این نقطه، تعیین کننده است

الكافي (ط - دار الحديث) / ج ۳ ص ۵۳ ب ۱۳ باب دعائم الإسلام ح ۴ : عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «بَنِي الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَ الرِّكَاتَةِ، وَ الْحَجِّ، وَ الصَّوْمِ، وَ الْوَلَايَةِ؛ وَ لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ، فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ» يَعْنِي الْوَلَايَةَ.

حضرت استاد روح : یعنی ستون و عمود خیمه ی نظام اسلامی چیست؟! ولایت است، لذا امام معصوم علیه السلام

فرمود: [مهمترین چیزی که مردم به آن فراخوانده شده اند ولایت است].

یک کلمه هم در باب ولایت مطلق بگوییم که چه می خواهیم بگوییم، چون بسیار دیده ایم که [در فهم] این مسئله به خطا می روند. [میخواهیم ببینیم] معنای ولایت مطلقه فقیه چیست؟ خوب گوش کنید، خوب گوش کنید؛ بعضی ها می گویند که همه می دانند که کشور دست رهبری است! این حرفا چیست؟! این [حرفها] پرت و پلاگوئی محض است! [ببینیم] معنای ولایت مطلقه فقیه چیست؟

کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۹۶۲-۹۶۳ : معنای «ولایت مطلقه ی فقیه» امام و نمونه ای از کارکردهای آن

یک مسئله، مسئله ی رهبری است؛ چیزی که در دنیا معمول نیست، در جمهوری اسلامی هست . ولایت فقیهی که امام بزرگوار ما معنا کردند، تعریف کردند، مطرح کردند و بعد پیاده کردند و بعد خود آن بزرگوار مظهر تام و تمام و کاملش بود- که هرکس ایشان را از نزدیک میشناخت، هرچه که میگذشت، خصوصیات برجسته و ممتاز این مرد بیشتر برای او آشکار میشد - ...

حضرت استاد روح : که امام رضی الله تعالی عنه برای رضای خدا حرف میزد، بحث [و غرض] شخصی نبود، [خب] ولایت فقیه یعنی چه؟

ادامه متن از کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۹۶۲-۹۶۳ : معنای «ولایت مطلقه ی فقیه» امام و نمونه ای از کارکردهای آن

یعنی یک مدیریت زنده و بالنده و پیشرونده . یک جمله ای را امام بیان کردند : ولایت مطلقه ی فقیه؛ یک عده ای با مغالطه خواستند این قضیه را به نحوی مشوب کنند و یک معنای غلط و تفسیر غلطی بدهند، گفتند: معنای ولایت مطلقه این است که رهبری در نظام جمهوری اسلامی، مطلق از همه ی قوانین است؛ مثل یک اسب مهارکنده شده ای، هر جا بخواهد، هر کار بخواهد، میتواند بکند...

حضرت استاد روح : آقا [رهبری عزیز انقلاب] میفرمایند: این حرف [که رهبری هر کار بخواهد، میتواند انجام

دهد] دروغ است، این [تهمتی که برخی به رهبری میزنند ، اگر رهبری اینگونه رفتار کند] اولاً خلاف قانون است ، ثانیاً وقتی خلاف قانون شد، خلاف شرع هم هست، [لذا خود رهبری از همه بیشتر به قانون و شرع اهتمام دارند].

ادامه متن از کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۹۶۲-۹۶۳ : معنای «ولایت مطلقه ی فقیه» امام و نمونه ای از کارکردهای آن

مسئله این نبود، این نیست . امام بزرگوار خودش از همه بیشتر به رعایت قوانین، به رعایت اصول، به رعایت مبانی، به رعایت جزئیات احکام شرعی مقید بود، و این وظیفه ی رهبری است . در نظام جمهوری اسلامی، رهبری فقط تابع این نیست که کسی او را بخاطر اینکه شرایط را از دست داده، عزل کند، اگر این شرایط در او وجود نداشته باشد، خودش به خودی خود عزل شده است، این خیلی چیز مهمی است، رهبری یک مدیریت است، البته مدیریت اجرائی نیست. این اشکال و اشتباه هم در طول زمان ، از اول انقلاب تا امروز، در بعضی از تبلیغات ادامه دارد. این جور تلقی کنند که رهبری یک مدیریت اجرائی است، نه، مدیریت اجرائی، مشخص است. مدیریت اجرائی در بخش قوه ی مجریه ضوابط مشخصی دارد، معلوم است، مسئولین معینی دارد، در قوه ی قضائیه هم - که آن هم مدیریت اجرائی است - همینطور، هر کدام مسئولیتهایی دارند، قوه ی مقننه هم که معلوم است. رهبری، ناظر بر اینهاست، به چه معنا؟ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند.

در واقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. همینطور که اشاره کردم، گاهی اوقات فشارها، مزیقه ها و ضرورتها، مدیریتهای گوناگون را به بعضی از انعطافهای غیر لازم یا غیر جایز وادار میکند...

حضرت استاد روح : بعضی کارهایی میکنند که جایز نیست، یعنی آنجایی که میخواهد ریل انقلاب کج شود، رهبری ورود میکند.

ادامه متن از کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۹۶۲-۹۶۳ : معنای «ولایت مطلقه ی فقیه» امام و نمونه ای از کارکردهای آن

رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیت بسیار سنگینی است . این مسئولیت، مسئولیت اجرایی نیست؛ دخالت در کارها هم نیست . حالاً بعضیها دوست میدارند همینطور بگویند؛ فلان تصمیمها بدون نظر رهبری گرفته نمیشود . نه، اینطور نیست .

حضرت استاد روح : [زیاد این حرف را شنیده اید که] فلان کار بدون نظر رهبری انجام نمیشود، حتی در

زمان همین رئیس جمهور فعلی، همین حرف زده شد، [گفتند:] هرکاری انجام می‌دهیم با نظر رهبری است!!! [درحالی که صراحتاً رهبری ادعای این افراد را تکذیب میکنند]، گوینده هر که می‌خواهد باشد، دروغگو و کذاب است.

ادامه متن از کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۹۶۲-۹۶۳: معنای «ولایت مطلقه ی فقیه» امام و نمونه ای از کارکردهای آن

مسئولین در بخشهای مختلف، مسئولیتهای مشخصی دارند. در بخش اقتصادی، در بخش سیاسی، در بخش دیپلماسی، نمایندگان مجلس در بخشهای خودشان، مسئولان قوه ی قضائیه در بخش خودشان، مسئولیتهای مشخصی دارند.

حضرت استاد روح: گوشها باز...

ادامه متن از کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۹۶۳-۹۶۲: معنای «ولایت مطلقه ی فقیه» امام و نمونه ای از کارکردهای آن

در همه ی اینها رهبری نه میتواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد. صلوات مرحمت فرمایید:

اللهم صل على محمد و آل محمد

حضرت استاد روح: تدوین سیاستهای کلی نظام [وظیفه ی] کیست؟ [جواب:] به عهده ی رهبری است. این بحث در قانون اساسی مطرح است، که نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام با کیست؟ [جواب:] به عهده ی] رهبری است، در خود قانون اساسی میگوید، رهبری میتواند این وظیفه را تفویض نماید، رهبری نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام را به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کرده اند، کسانی که در جریان مسائل کشور هستند، میدانند که چه میگویم؛ [همین ایامی که گذشت] مجمع تشخیص [مصلحت نظام] در این بحث ورود کرد، همین الان مجلس فعلی تمکین نمیکند! [برخی از نمایندگان مجلس مثل] نائب رئیس مجلس، مصاحبه میکنند و میگویند این کار مجمع تشخیص مصلحت، دخالت در حوزه ی [مسئولیت] مجلس است؟! چطور [برخی میگویند اگر رهبری] تصمیم بگیرد فلان کار را میتواند انجام دهد؟!!!!

ادامه متن از کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۹۶۳-۹۶۲: معنای «ولایت مطلقه ی فقیه» امام و نمونه ای از کارکردهای آن

خیلی از تصمیمهای اقتصادی ممکن است گرفته شود، رهبری قبول هم نداشته باشد، اما دخالت نمیکند؛ مسئولینی دارد، مسئولینش باید عمل کنند. بله، آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا میکند.

حضرت استاد روح: مثل ماجرای آقای مصلحی که، رهبری ورود کردند چون واقعا یک انحراف خطرناک

بود [رئیس جمهور وقت] که اجتهاد ندارد [حتی] مقدمات اجتهاد را [نیز] ندارد، [گفت:] من خودم

میخواهم سرپرستی را بعهده بگیرم!!! [به او میگوئیم] تو اصلاً حق نداری این کار را بکنی، حق نداری...

مضافاً [وزارت اطلاعات] جایگاه حساسی [است که هرکس هرکس نباید و نمی تواند آنجا مسئولیت داشته باشد].

ادامه متن از کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۹۶۲-۹۶۳: معنای «ولایت مطلقه ی فقیه» امام و نمونه ای از کارکردهای آن

در تصمیم و عمل رهبری باید عقلانیت در خدمت اصول قرار بگیرد، واقع بینی در خدمت آرمانگراییها قرار بگیرد. صلوات مرحمت فرمایید :

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

حضرت استاد روح : آقا[رهبری عزیز انقلاب] به صراحت می فرمایند، هر کسی که ادعا میکنند مکتب امام

را قبول دارم، امام را قبول دارم، [ولی] اندیشه ی سیاسی امام را قبول ندارد، دروغگو است، به همین صراحت کلمه دروغگو بودن...

اگر کسی مدعی است که امام را قبول دارم اما از مکتب فکری امام فاصله میگیرد، در مقام ادعای محبت امام صادق است یا کاذب؟ کاذب است هر که میخواهد باشد... [رهبری تاکیدا تا اینجا دو مرتبه فرمودند: چنین کسی دروغگو است...]

کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۷۴۱: دروغ بودن تمسک به نام امام، بدون تمسک به مکتب امام

نمیشود امروز ما اسم امام را بیاوریم و به علاقه مندی به امام تظاهر بکنیم، اما مکتب سیاسی امام را به غربت بیندازیم؛ به آن بی اعتنایی و علیه آن تلاش کنیم؛ این دروغ است. اگر کسی با این حال ادعا کند که امام را دوست میدارد و برای او احترام قائل است، دروغ میگوید. امام نه فقط این مکتب را در سطح کلان و برای اداره ی کشور مطرح کرد، بلکه در عمل و حکم و رهنمودهای خود و در امور زندگی شخصی و عمومی، جزئیات و فرآورده های این فکر را هم ارائه کرد و نشان داد که به آنها پایبند است. صلوات مرحمت فرمایید :

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

حضرت استاد روح : پس به مکتب فکری امام باید اعتقاد داشته باشیم، رفقا [این] کلمه را زیاد گوش

کنید که چه میگویم، آن زمانیکه از بعضیها [یعنی احمدی نژاد] حمایت میکردم، برخی [از طرفداران احمدی نژاد] میگفتند که [من] خیلی سیاست میفهمم، امروز که پته ها را میریزم بیرون، مرا سفارش میکنند که شما اخلاق بگو، شما را به سیاست چه کار!!!

رفقا مکتب سیاسی امام اینست [که سیاست و اخلاق را باهم دارد و الا]، **سیاستی که در آن معنویت نباشد**

و معنویتی که در آن سیاست نباشد، این کتب امام نیست.

کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۷۴۳: ویژگیهای مکتب سیاسی امام

من میخواهم روی مکتب سیاسی امام تکیه کنم. مکتب سیاسی امام نمیتواند از شخصیت پرجاذبه ی امام جدا شود. راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را بطور مجسم و بصورت یک نظام، در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد...

حضرت استاد روح : خوب گوش کنید...

ادامه ی متن از کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۷۴۳ : **ویژگیهای مکتب سیاسی امام**

البته انقلاب عظیم اسلامی ما بدست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق تواناییها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کار بزرگی نبود.

حضرت استاد روح : [ملت بدون امام] قادر بود چنین حرکتی بکند یا [قادر] نبود؟! این ملت قبل از حرکت

امام [هم] بود [ولی چنین کاری را نکرد...]

[قادر] نبود... گفت : خم ابروی خمینی خم خمخانه شکست...

ادامه ی متن از کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۷۴۳ : **ویژگیهای مکتب سیاسی امام**

مکتب سیاسی امام میدانی را باز میکند که گستره ی آن حتی از تشکیل نظام اسلامی هم وسیعتر است. مکتب سیاسی ای که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد میکند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه ی آنهاست، لذا کهنه نمیشود. صلوات مرحمت فرمایید :

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجه

حضرت استاد روح : یکی از خطهای سیاسی حضرت امام این بود که ، امام معتقد بود سیاست از دیانت

جدانیست، عین عبارت امام میخوانم که امام هم در تحریر الوسیله_کتاب الصلاه و هم در کتاب البیع جلد دو [چنین میفرمایند که] : الإسلام دين السياسة بشؤونها؛... فمن توهم أن الدين منفك عن السياسة، فهو جاهل لم يعرف الإسلام و لا السياسة. [اسلام دینی است که به همه ی شئون سیاست می پردازد و کسیکه توهم کرده است دین اسلام از سیاست جدا است و به سیاست کاری ندارد، آن شخص به حدی جاهل است که نه دین را میشناسد و نه سیاست را .]

[به من میگویند:] ما این مسجد آمده ایم که تفسیر قرآن بگوئی نه این حرفها را!!! آقا به خدا دارم [تفسیر

آیه ی] اطيعوا الله و اطيعوا الرسول را میگویم، باور میکنید؟!!!

ادامه ی متن از کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۷۴۴ : **ویژگیهای مکتب سیاسی امام**

کسانی که سعی میکنند امام بزرگوار ما را بعنوان یک شخصیت متعلق به تاریخ و متعلق به گذشته معرفی کنند، در تلاش خود موفق نخواهند شد. امام در مکتب سیاسی خود زنده است، و تا این مکتب سیاسی زنده است، حضور و وجود امام در میان امت اسلامی، بلکه در میان بشریت، منشأ آثار بزرگ و ماندگار است.

کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۷۴۵ : **نقطه ی مقابل سیاست «تفکیک دین از سیاست» غرب**

این درست نقطه ی مقابل سیاست کهنه ی شده و از مُد افتاده ی غربی است که به دروغ آن را سیاست مدرن میگویند، یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از معنویت . تمدن غربی بر پایه ی ستیز با

تحریر الوسیله_القول فی شرائط
صلاة الجمعة ص ۱۸۲

معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند. به علم اهمیت دادند- این خوب بود- اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود، لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هرچه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر میشود؛ هم خود آنها و هم همه ی بشریت را با میوه های زهرآگین خود تلخکام میکند، همچنان که تا امروز کرده است. پدیده ی استعمار- که دهها کشور و میلیونها انسان را سالهای متمادی غرق در سخت ترین و شدیدترین محنتها کرد- یکی از چیزهایی است که در نتیجه تفکیک علم از معنویت، سیاست از معنویت و دولت از اخلاق در اروپا اتفاق افتاد. دو جنگ جهانی اول و دوم هم از همان میوه های تلخ بود.

صلوات مرحمت فرمایید :

واللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

حضرت استاد روح : نمی شود مدعی خط امام باشید ولی با ولایت زاویه داشته باشید، نمی شود، این حرف شدنی نیست، این حرف غلط است...

کتاب «ره، رهرو، رهبر» صفحه ی ۷۵۰ : مفهوم مترقی ولایت فقیه، پاسداری از جهنگیری نظام، نه حکومت مطلقه ی فردی

عده ای سعی میکنند ولایت فقیه را به معنای حکومت مطلقه ی فردی معرفی کنند؛ این دروغ است. ولایت فقیه- طبق قانون اساسی ما - نافی مسئولیتهای ارکان مسئول کشور نیست. مسئولیت دستگاههای مختلف و ارکان کشور غیرقابل سلب است. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسیترین و محوریتترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً نصیحت کننده است- آنطوری که بعضی از اول انقلاب این را میخواستند و ترویج میکردند- نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسئولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسئولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسئولیتهای خود باشند.

صلوات مرحمت بفرمایید...

واللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

حضرت استاد روح : لا حول و لا قوه الا بالله، آقا[رهبری عزیز انقلاب معتقدند که] اگر کسی دنبال خط امام است، خط امام به [مبحث] ولایت فقیه منجر میشود و آن حبل الله است، [این] عین سخن حضرت آقااست... همه اش بیانات رهبری است، رفقای ما حق دارند! بگویند! پشت سر آقا، قایم [شده ام؛ نه]، قایم نشده ام عین کلمات آقا را میخوانم...

وحدت عمومی، به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روشهای گوناگون برگرد محور اسلام، است خط امام و ولایت فقیه است. این، همان اعتصام به «حبل الله» است که عموم مسلمین بدان مکلف گشته‌اند؛ و این، آن اسم اعظمی است که همه ی گرهها را باز، و همه ی موانع را برطرف، و همه ی شیاطین را مغلوب میکند.

حضرت استاد روح: [خب] فاصله گرفتن از [خط امام و ولایت فقیه] فاصله گرفتن از چیست؟ [فاصله گرفتن از]

حبل الله!!! [خب، اگر] از حبل الله فاصله بگیری [یعنی به چه چیزی چنگ زدی؟] حبل الشیطان ... آقا [رهبری عزیز انقلاب] میفرمایند که هر کسی به سمت دلسرد کردن مردم برود، [در حال] خیانت به امام و انقلاب است.

اعمال و گفتار تفرقه‌انگیز و دلسردکننده از هر کسی صادر شود، خیانت به امام و اسلام است. از حضرات نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، ائمه ی محترم جمعه، گویندگان مذهبی و رسانه های عمومی تقاضا میکنم همگان را به این وظیفه ی انقلابی توجه دهند؛ و البته ضمانت اصلی برای این کار، آحاد مردم حزب الله اند که با مشاهده ی تخلف از این وظیفه ی الهی، موظف به نهی از منکر و اعراض از متخلفین میباشند.

حضرت استاد روح: مقداری از حرفهای حضرت امام را بخوانم، ببینیم امام در باب ولایت فقیه چه میگویند،

ولایت فقیه یعنی امام یا ولایت فقیه یک عنوان است و حضرت امام یک مصداق برای این عنوان [به عنوان یک ولی] است؟ کدام درست است؟ [با رفتن امام، ولایت فقیه دفن نشده است، بلکه] ولی ای از

دنیا رفت و ولی دیگری آمد... ﴿مَنْخُ مَشْرُوعٍ أَوْ مَشَاهِدَاتٍ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾ [ترتیب: ۱۰۶]

کتاب بسیار خواندنی «هندسه ی انقلاب» که تماماً بیانات حضرت امام است که با انگشت اشاره ی آقا [رهبری عزیز انقلاب، تهیه شده است]، ایشان فرمودند: بگردید [موضوعات] پر بسامد را در بیانات حضرت امام پیدا کنید [و این کتاب شد نتیجه ی این کار]...

برای رضای خدا گوش کنید...

به رفقا میگویم، [آن دسته از] آیات قرآن کریم [که] ناظر به ابعاد حکومتی پیغمبر است، [به ما] میگویند یعنی این برای ولی فقیه هم هست؟! خوب گوش کنید...

امام میفرمایند، پیامبر دوگونه ولایت داشته است، یک ولایت کلیه الهیه داشته اند که هفته ی قبل در موردش [سخن گفتیم، یعنی همان] ولایت تکوینی، که در نظام هستی اثر میکند و می تواند شَقُّ الْقَمَرِ داشته باشد و ده ها کرامت دیگر...

ولایت فقیه هیچ کاری به بحث‌های تکوینی عالم [و ولایت تکوینی] ندارد [بلکه] بحث ولایت سیاسی است [یا همان ولایت تشریحی]...

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۱۸: **برابری پیامبر صلوات الله علیه و آله وسلم، امام علی رضی الله عنه و فقیه در ولایت سیاسی**

اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت [علم و عدالت] باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت دارا می‌باشد؛ و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

این مطلب را میتوانید در کتاب فارسی حضرت امام با نام «ولایت فقیه (حکومت اسلامی)» در صفحه ی ۵۰ به بعد نیز ببینید...

حضرت استاد روح: لازم است، یعنی چه؟ [جواب] یعنی واجب است؛ یعنی اخلال در آن حرام قطعی است!!! همان ولایت را فقیه داراست، فرمود [له ما للامام المعصوم... بعد امام برای این سخنشان برهان اقامه میکند...

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۱۹: **برابری پیامبر صلوات الله علیه و آله وسلم، امام علی رضی الله عنه و فقیه در ولایت سیاسی**

این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم صلوات الله علیه و آله وسلم بیشتر از حضرت امیر (ع) بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است.

حضرت استاد روح: پشت این حرف برهان وجود دارد، تعبدا از امام نپذیرفتیم...

امام میفرماید، فضائل محل بحث نیست [لذا] اگر کسی فکر کند ولایت رسول خدا در اجرا بیشتر از ولایت حضرت امیر است و ولایت حضرت امیر [در اجرای دین] بیش از ولایت مالک اشتر است، این حرف غلطی است، چرا حرف غلطی است؟ [دلیلش اینست که:]

ادامه ی متن از کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۱۸: **برابری پیامبر صلوات الله علیه و آله وسلم، امام علی رضی الله عنه و فقیه در ولایت سیاسی**

البته فضایل حضرت رسول اکرم (ص) بیش از همه ی عالم است؛ و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر (ع) از همه بیشتر است؛ لکن زیادی فضایل معنوی، اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه، صلوات الله علیهم، در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولات و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است؛ منتها شخص معینی نیست، روی عنوان «عالم عادل» است. وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه (ع) و رسول اکرم (ص) است. زیرا اینجا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از وظیفه است.

حضرت استاد روح: وقتی این حرفها را می‌زنیم، رفقا برای ما مینویسند: این دیگر چه اسلامی است!!!

ادامه ی متن از کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۱۹: **برابری پیامبر صلوات الله علیه و آله وسلم، امام علی رضی الله عنه و فقیه در ولایت سیاسی**

«ولایت»، یعنی حکومت و اداره ی کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، يك وظیفه سنگین و مهم است؛ نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیر عادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، «ولایت» مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، بر خلاف تصویری که خیلی از افراد

دارند، امتیاز نیست بلکه وظیفه‌ای خطیر است. ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد؛ مانند جعل (قرار دادن و تعیین) قیّم برای صغار. قیّم ملت با قیّم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد. مثل این است که امام (ع) کسی را برای حضانت حکومت، یا منصبی از مناصب، تعیین کند. در این موارد معقول نیست که رسول اکرم (ص) و امام با فقیه فرق داشته باشد.

حضرت استاد روح : قبلاً مثال زدیم [که] اگر کسی عمل منافی عفت انجام دهد، اسلام میگوید به او باید صد

ضربه یا هشتاد ضربه شلاق زده شود، زمان رسول اکرم چند ضربه باید زده میشد؟ [نمیگوئیم چون] سید انبیاء است هزار ضربه بزن! زمان امیرالمؤمنین چندتا بزنیم؟؟ [نمیگوئیم چون] سید اوصیاء است پانصد ضربه بزن! زمان مالک اشتر چندتا بزنیم؟؟ [نمیگوئیم چون غیر معصوم است پس] پنجاه ضربه بزن! به من و شما که رسید چندتا بزنیم؟؟ [نمیگوئیم] فُوتش کن!!! این که خلاف عقل است و کسی این حرف را نمی زند، این خیلی حرف مسخره ای است.

میگوئیم چه پیغمبر بزند، چه حضرت امیر بزند، چه ابی الحسن الرضا بزند، چه امام زمان بزند، چه ولی فقیه جامعه ی اسلامی بزند، همه فقط باید [همان تعدادی را که خدا گفت بزنند نه یک ذره بیشتر و نه یک ذره کمتر...]

این یعنی چه؟ یعنی اختیار [همه ی آنها در اجرای دینبرابر است]، این همان اختیارات است.

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۰ : برابری پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم، امام علی رضی الله عنه و فقیه در ولایت سیاسی

مثلاً یکی از اموری که فقیه متصدی ولایت آن است اجرای «حدود» (یعنی قانون جزای اسلام) است. آیا در اجرای حدود بین رسول اکرم (ص) و امام و فقیه امتیازی است؟ یا چون رتبه فقیه پایین تر است باید کمتر بزند؟ حد زانی که صد تازیانه است اگر رسول اکرم (ص) جاری کند، ۱۵۰ تازیانه میزند، و حضرت امیر المؤمنین (ع) صد تازیانه، و فقیه پنجاه تازیانه؟ یا اینکه حاکم متصدی قوه اجراییه است و باید حد خدا را جاری کند؛ چه رسول الله (ص) باشد، و چه حضرت امیر المؤمنین (ع)، یا نماینده و قاضی آن حضرت در بصره و کوفه، یا فقیه عصر.

حضرت استاد روح : امام شاهی دیگر می آورند، پیامبر چقدر باید خمس بگیرد؟ [نمیگوئیم که] به

فقیه که رسید، عشر بگیرد! این حرف که عقلائی نیست...

این درسهایی است که امام در نجف گفته اند، اصلاً در ایران نبوده است.

برای رضای خدا مقداری گوش کنید...

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۰ : برابری پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم، امام علی رضی الله عنه و فقیه در ولایت سیاسی

دیگر از شئون رسول اکرم (ص) و حضرت امیر (ع) اخذ مالیات، خمس، زکات، جزیه، و خراج اراضی خراجیه است. آیا رسول اکرم (ص) اگر زکات بگیرد، چقدر میگیرد؟ از یک جا ده یک و از یک جا بیست یک؟ حضرت امیر المؤمنین (ع) خلیفه شدند چه می کنند؟ جناب عالی فقیه عصر و نافذ الکلمه شدید چطور؟ آیا در این امور ولایت رسول اکرم (ص) با حضرت امیر المؤمنین (ع) و فقیه فرق دارد؟

حضرت استاد روح : پیامبر بر همه ولایت دارد حتی بر علی مرتضی؛ به امیرالمؤمنین که رسید [ایشان] ولایت

دارد حتی بر امام حسن... امروز ولیّ فقیه بر هر کسی غیر خودش ولایت دارد، غیر از ولی الله الاعظم.

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۰: **برابری پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم، امام غیر رسوله و فقیه در ولایت سیاسی**

خداوند متعال رسول اکرم (ص) را «ولیّ» همه مسلمانان قرار داده؛ و تا وقتی آن حضرت باشند، حتی بر حضرت امیر (ع) ولایت دارند. پس از آن حضرت، امام بر همه مسلمانان، حتی بر امام بعد از خود، ولایت دارد؛ یعنی، او امر حکومتی او درباره همه نافذ و جاری است ... همان طور که پیغمبر اکرم (ص) مأمور اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود و خداوند او را رئیس و حاکم مسلمین قرار داده و اطاعتش را واجب شمرده است، فقهای عادل هم بایستی رئیس و حاکم باشند، و اجرای احکام کنند و نظام اجتماعی اسلام را مستقر گردانند. صلوات مرحمت بفرمایید...

واللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

ادامه ی متن از کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۲:

در زمان غیبت، در تمام اموری که امام معصوم در آنها حق ولایت دارد، فقیه دارای ولایت است...

حضرت استاد روح: هیچ تفاوتی [بین ولایت معصوم و ولایت فقیه در آنچه که مربوط به اداره ی اجتماع است] وجود ندارد...

ادامه ی متن از کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۳: **جهالتها و مخالفتها نسبت به ولایت فقیه**

این منحرفین، اینهایی که از اسلام هیچ اطلاع ندارند، اینهایی که مخالف با اسلام هستند، در مجلسشان گفتند که این مجلس خبرگان باید منحل بشود! و دیگران هم دست زدند برای آن یا تظاهر کردند. اینها از مجلس خبرگان می ترسند، برای اینکه مجلس خبرگان می خواهند ولایت فقیه را اثبات کنند. مجلس خبرگان می خواهند تصویب کنند آن چیزی را که خدای تبارک و تعالی فرموده است، و اینها از او می ترسند.

حضرت استاد روح: بعضیها این حرف را [امروز هم] میزنند [که ولایت فقیه دیکتاتوری است...]

امام میفرماید کسیکه که در باب ولایت فقیه اشکال میکند، [دلیلش اینستکه] از اسلام متنفر است...

ادامه ی متن از کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۳: **جهالتها و مخالفتها نسبت به ولایت فقیه**

اینها خیال می کنند که اگر چنانچه ولایت فقیه پیش بیاید، قضیه قلدری پیش می آید و دیکتاتوری پیش می آید. در صورتی که در اسلام این حرفها نیست. خیر، اینها حرف می زنند.

اینکه می گویند که دیکتاتوری پیش می آید، نه این است که ندانند این طور نیست؛ **لکن اینها از اسلام متنفرند.** اینها باید بفهمند این را که تا این محراب و منبر هست و تا این خطابه خوانها و این اسلام و مسلمین و این بازار اسلام و این جوانان مسلمان هستند، نمی توانند کاری بکنند.

حضرت استاد روح : اوقات تلخی امام را ببین...

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۴: **جهالتها و مخالفتها نسبت به ولایت فقیه**

اینها باید بفهمند این را که در خدمت رژیم سابق یا در خدمت اربابهای رژیم سابق دارند کار می کنند. اگر فهمیده هستند، از روی فهم می کنند، خائن هستند. و اگر چنانچه از روی بی اطلاعی و جهالت است، جاهل هستند. قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست. و اینها از ولایت رسول الله هم می ترسند!

شما بدانید که اگر امام زمان- سلام الله علیه- حالا بیاید، باز این قلمها مخالفاند با او...

حضرت استاد روح : گرفتید چه شد؟!!!!

ادامه ی متن از کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۴: **جهالتها و مخالفتها نسبت به ولایت فقیه**

نگویید ما ولایت فقیه را قبول داریم، لکن با ولایت فقیه اسلام تباه می شود! این معنایش تکذیب ائمه است؛ تکذیب اسلام است و شما من حیث لآ یَشعُر این حرف را می زنید.

حضرت استاد روح : چرا اینگونه می گوید؟ چون [اگر آگاهانه مخالفت کنند] امام بحث را به سمت ارتداد میبرد...

ادامه از متن کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۴: **عدم درک معنای ولایت فقیه، منشاء بسیاری از مخالفتها**

اینها اصلاً اطلاعی ندارند که قضیه ولایت فقیه چی هست. اصلاً از ولایت فقیه سر در نمی آورند که اصلاً چه هست! در عین حالی که سر در نمی آورند، می نشینند می گویند: اگر بنا باشد که ولایت فقیه بشود دیکتاتوری می شود، کذا می شود! مگر امیر المؤمنین که ولی امور مردم بود- دیکتاتور بود؟ مگر خود پیغمبر که ولایت داشت دیکتاتور بود؟ مگر بگویند ولایت برای پیغمبر هم نیست؛ پیغمبر هم مثل سایر مردم! و از اینها بعید نیست این را بگویند. لکن جرأت نمی کنند بگویند...

حضرت استاد روح : ببین امام چقدر اوقاتش تلخ است!

ادامه از متن کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۵: **عدم درک معنای ولایت فقیه، منشاء بسیاری از مخالفتها**

شما نمی دانید. شما فقیه را اطلاع بر آن ندارید که می گویند ما ولایت فقیه نداریم. این طور ولایت فقیه از روز اول تا حالا بوده. زمان رسول الله تا حالا بوده. این حرفها چه است که می زنند اینها؟ این اشخاص غیر مطلع بر فقه، غیر مطلع بر مجاری امور، این حرفها را می زنند و اذهان را مشوب می کنند. صلوات مرحمت بفرمایید...

وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَنْ وَعَى

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۵: لزوم بی توجهی به روشنفکر نمایان مخالف ولایت فقیه

به حرفهای آنهايي که بر خلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می کنند و می خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند [اعتنا نکنید] اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است.

حضرت استاد روح: عین حرف امام است که چشمهایتان را باز کنید...

ادامه از متن کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۶: لزوم بی توجهی به روشنفکر نمایان مخالف ولایت فقیه

بله، آقایان بعضیشان می گویند مسئله ولایت فقیه يك مسئله «تشریفاتی» باشد، مضایقه نداریم. اما اگر بخواهد ولی، دخالت بکند در امور، نه، ما آن را قبول نداریم - حتما باید يك کسی از غرب بیاید دخالت بکند؟! - ما قبول نداریم که يك کسی اسلام تعیین کرده او دخالت بکند.

حضرت استاد روح: خوب گوش کنید، عین بیان امام است، البته حمل بر صحت میکند...

ادامه از متن کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۲۶: لزوم بی توجهی به روشنفکر نمایان مخالف ولایت فقیه

اگر متوجه به لوازم این معنا باشند، مرتد می شوند! لکن متوجه نیستند. صلوات مرحمت بفرمایید...

والله صل علی محمد و آل محمد و علی فرجهم

حضرت استاد روح: حُب [امثال احمدی نژاد] بدانند دارند چه کار میکنند، درک کنند از چه چیزی حرف میزنیم!

آنچیزی که از شهید رجائی گفتم، مربوط به حکم ریاست جمهوری شهید رجائی است و مربوط به تاریخ ۶۰/۵/۱۱ است، ببینید...

امام تصریح میکند که حتی اگر مقبولیت داشته باشد ولی، از سمت ولی امر تنفیذ نشده باشد، مشروعیت ندارد و طاغوت است، حتی دیگرانی که یک زمانی بوی شهید رجائی را میدادند...

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۱۰: مشروعیت منصب ریاست جمهوری با نصب ولی فقیه

چون مشروعیت آن باید با نصب فقیه ولی امر باشد، این جانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم،

حضرت استاد روح: تازه امام خط و نشان هم میکشد، ببینید...

ادامه از متن کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۱۰: مشروعیت منصب ریاست جمهوری با نصب ولی فقیه

و ما دام که ایشان در خط اسلام عزیز و پیرو احکام مقدس آن می باشند و از قانون اساسی ایران تبعیت و در مصالح کشور و ملت عظیم الشان در حدود اختیارات قانونی خویش کوشا باشند و از فرامین الهی و قانون اساسی تخطی ننمایند، این نصب و تنفیذ به قوت خود باقی است. و اگر خدای ناخواسته بر خلاف آن عمل نمایند، مشروعیت آن را خواهیم گرفت...

رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است. وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است؛ وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است.

اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

حضرت استاد روح : [میخواهم] روش صحیح ولایت پذیری را نشانتان بدهم؛ روش صحیح ولایت پذیری این نیست که اگر آقا در جلسه ی خصوصی چیزی را میگوید، شخص بگوید: شنیدم! آقا [مطلبی را در جلسه ی] درس بگویند، شخص دوسه روز ساکت باشد، چند روز که گذشت ناقلابازی در بیاورد!! این طریقه ی صحیح ولایت پذیری نیست.

روش صحیح ولایت پذیری اینگونه است که خواهید دید...

کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۳۴۶ : روحیه ی صحیح در اطاعت از ولی فقیه زمان

چند ماه قبل از رحلت امام رضی الله عنه مرتب از من میپرسیدند که بعد از اتمام ، دوره ی ریاست جمهوری میخواهید چکار کنید؟ من خودم به مشاغل فرهنگی زیاد علاقه دارم؛ فکر میکردم که بعد از اتمام دوره ی ریاست جمهوری به گوشه ای بروم و کار فرهنگی بکنم. وقتی از من چنین سؤالی کردند...

حضرت استاد روح : گوش، گوش، گوش، همه گوش کنید...

ادامه از متن کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۳۴۶ : روحیه ی صحیح در اطاعت از ولی فقیه زمان

گفتم اگر بعد از پایان دوره ی ریاست جمهوری، امام به من بگویند که بروم رئیس عقیدتی، سیاسی گروهان ژاندارمری زابل بشوم حتی اگر به جای گروهان، پاسگاه بود! من دست زن و بچه ام را میگیرم و میروم **والله این را راست میگفتم** و از ته دل بیان میکردم...

حضرت استاد روح : ولایت پذیری الکی نیست که بگوئی از توبه یک اشاره از ما به سر دویدن!

علت اینکه آقای منتظری به آن بدبختی گرفتار شد همین [عدم پیروی از ولی فقیه] بود، امام [می] فرمود: مراقب بیتش باش، او میگفت : من خودم مجتهدم این بحثها را درک میکنم که قصه از چه قرار است...

رفتیم جلوتر، [امام] فرمودند: به رادیوهای بیگانه گوش نکن، گفت: نمی شود.

جلوتر رفت، [امام فرمود] سهم امام [از خمس] را در حلقوم منافقین نریز...

آقایان ! خدا شاهد است که ولی [فقیه] خیر همه ی ما را میخواهد.

ادامه از متن کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۳۴۶ : روحیه ی صحیح در اطاعت از ولی فقیه زمان

یعنی برای من زابل مرکز دنیا میشد **ومن در آنجا مشغول کار عقیدتی، سیاسی میشدم!** به نظر من بایستی با این روحیه کار و تلاش کرد و زحمت کشید؛ در این صورت، خدای متعال به کارمان برکت خواهد داد.

صلوات مرحمت بفرماید...

واللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

حضرت استاد روح : رفقا دو سه تا نکته ی عمیق میخواهم بگویم، امام میفرمایند، اسلامی که غیر روحانیت به

شما عرضه میکند، قبول نکن، به همین صراحت...

یک وقت نگوئید که این حرف مربوط به قبل از انقلاب است والا اگر آیات قرآن را هم بخوانم

خواهید گفت: شان نزولش چیز دیگری است!!!

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۳۷: **تمسک صحیح به اسلام و دوری از اسلام مخالف روحانیت**

باید توجه کنید که اسلام همان است که از صدر اسلام تا کنون فقها آن را حس کرده اند. در بعضی

موارد، قدرت داشته اند و پیاده کرده اند و در بیشتر موارد، دست نخورده در قرآن و اخبار و کتابهای

فقه موجود است. باید توجه کنید تا کسانی ظاهر الصلاح، اسلام شناس نشوند و یکمرتبه متوجه

شوید از راه راست منحرف شده اید؛ یعنی، **سعی کنید اسلامتان از روحانیت جدا نشود** و با آنان که

اسلامشان با روحانیت مخالف است، مخالفت کنید.

حضرت استاد روح : فهمیدید که چه گفتم؟ به همین صراحت! دلیلش را هم امام فرموده است، که چطور

امام میفرماید اگر کسی اسلام را اشتباه به مردم برساند گنااهش بالاتر از قتل انبیاء است. گوش

میکنید که چه میگویم؟ گناه این آدم بالاتر از قتل انبیاء است! به گمانم بار اول است که این حرفها

را میشنوید!

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۳۸: **معرفی غلط اسلام به دیگران، گناهی بدتر از قتل انبیاء**

اگر ما اسلام را بر خلاف آن طوری که هست نمایش بدهیم به خارج، عرضه کنیم به خارج، این

شکست اسلام است، نه یک معصیت، قضیه معصیت نیست، این آنی است که انبیا سرش کشته

شدند، آنی است که اولیا سرش کشته شدند. دین حق، دینی است که انبیا و اولیا کشته شدند

سرش؛ اگر کسی یکی از انبیا را بکشد، یا اسلام را کاری بکند، این گنااهش بالاتر از او هست. انبیا

برای اسلام کشته شدند؛ این از نبی کشی بالاتر است! این از سید الشهداء کشتن بدتر است!

حضرت استاد روح : یعنی این شخصی که [اسلام را آنگونه که نیست معرفی میکند] از شمر بدتر است.

کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۲۳۸: **معرفی غلط اسلام به دیگران، گناهی بدتر از قتل انبیاء**

سید الشهداء برای اسلام خودش را به کشتن داد. همان اسلامی که حالا دست ما افتاده، و مع

الأسف بعضی از ما بازی می کنند با او!

حضرت استاد روح : خُب خلاصه ی سوال چه بود؟ [سوال این بود که] آیا به بهانه ی عدالت میتوان تضعیف

ولایت کرد؟

جواب : خیر، **تضعیف ولایت، حرام قطعی شرعی است**، از هر کس که سر بزنند هیچ فرقی ندارد. **«اول اسلام»**